

گفتگوی دوستانه با هنرمندان مجتمع رعده کرج

تهیه کننده: خانم سمیه بایرامی

■ سلام دوستان عزیز و بزرگووار

از اینکه گفتگوی دوستانه و صمیمی
مجله مارو برای خوندن انتخاب
کردید، سپاسگزاریم.

ممنون از حضور گرمتون

من و دست اندکاران مجله تصمیم
گرفتیم چهره های موفق مجتمع
آموزشی و نیکوکاری رعده رو به شما
بشناسونیم و معرفی کنیم.



باشه برخلاف جهت آب شنا کنه؛ ما همون شناگرانی هستیم که میتونیم برخلاف جهت آب شنا کنیم. کما اینکه اکثر دوستان آموزشگاه خیریه رعد کرج، در کارهای مختلف توانمندیهاشون رو نشون دادن؛ معلولین موفق به همه ثابت کردن میشه با ناتوانی هم درخشید؛ معلولین این آموزشگاه با کلمه (نمی توانم) بیگانه هستند و قابلیتها و اهداف بلندی برای رسیدن به کمال و سرافرازی، دارند.

هربار با یکی از این عزیزان گفتگوی دوستانه ای ترتیب دادیم که امیدواریم از خوندن این گفتگوها لذت ببرید و همونطور هم براتون مفید باشه...

اگر از موفقیت صحبت می کنیم، منظور ما یک اتفاق مشخصی نیست که در جایی ثبت شده باشد؛ یک ازدواج خوب، بافتن یه قالی، خلق یک اثر هنری، خط زیبا، خلاقیت و...

وتمام کارهایی که انسان از دیدنش حس قشنگی به درونش القا بشه و لذت ببره، میتونه از مشخصه های موفقیت باشه. از نظر من غلبه ما معلولین به ناتوانیها و محدودیتها همون، بزرگترین موفقیتیه چون بایاری خدا تونستیم از حداقل تواناییها همون، استفاده زیبا و در خور تحسین داشته باشیم.

شنیدید که میگن شناگر قابل باید بلد

یکی نثر و دیگر باز شعر هستش. همه جور سبکی کار کردم و دارم در شعرا م، کلاسیک، نو (نیمایی) ترانه، چون معتقدم شعر بنا در موقعیت و حال هوای آدم خودش میاد و من خیلی کم پیش میاد خودم سبکش انتخاب کنم.

■ خانواده چه تاثیری تو موفقیت شما داشته؟ و تا چندسال دیگه شما خودتون رو کجای این موفقیت میبینید؟

- بله صددرصد حمایت خانواده مهم بوده و من همینجا جا داره از زحماتشون تشکر کنم و بگم که دوستشون دارم. تا چند سال دیگه انشاءالله به یاری خدا چهارمین و پنجمین کتابم چاپ شده و من و تمام قشر معلول در جامعه شناخته تر شده ایم انشاءالله.

■ تا حالا شده معلولیتتون باعث افتخارتون باشه؟

- بله...معلولیتم برای من یک

چقدر کتابتون رو دوست دارید؟ موضوعش در چه مورده؟

- ممنونم... من یه کتاب چاپ کردم به اسم شکوفه ی سیب در مورد مضامین مختلف کار کردم ولی بیشتر، درد دلم با معبود بوده...

■ از چه زمانی متوجه شدید میتونید بنویسید و اولین مطلبی که نوشتید یادتون هست؟ برامون کمی از دوران گذشته بگید:

- از دی ماه ۱۳۸۲ شروع به نوشتن کردم و اولیش درباره ی آقا امام زمان بود، که در کتاب شکوفه ی سیب این شعر هست

■ کتابی در حال نوشتن دارید؟ سبک نوشتاریتون به چه نحوی هست بیشتر نوشته های شما تو چه قالبی هستش حماسی یا عاشقانه؟ دلش رو هم برامون بگید.

- بله دو تا کتاب دارم می نویسم

معصومه حاجی میرزایی عزیز. به گفتگوی دوستانه و صمیمانه ما خوش آمدید.

■ برای آشنایی بیشتر، بیوگرافی کوتاهی از خودتون بگید؟

- با سلام خدمت شما و خوانندگان عزیز، امیدوارم حال دلتون خوب باشه. بنده ۳۲ ساله، مجرد، و تحصیلاتم لیسانس فلسفه و الهیات

■ نحوه آشنایتون با آموزشگاه رعد کرج چطور بوده و در حال حاضر چه نوع فعالیتی در آموزشگاه دارید؟

- از طریق خانم فریبا شجاعی با رعد آشنا شدم. در حال حاضر در کلاس محفل قلم فعالیت دارم و مسئول کانال محفل قلم در تلگرام هستم. کارهای فضای مجازی کلاس محفل قلم انجام میدم.

■ بهتون خسته نباشید میگم؛ خانم حاجی میرزایی شما

■ یکی از آرزوهای بزرگ خانم حاجی میرزایی چیه؟

- اینقدر پول دار بشم که بتونم به دیگران کمک کنم، مثل حضرت علی و امام حسن

■ و حرف آخر

- از شما تشکر میکنم و آرزوی موفقیت روز افزون برای شما. یا حق

■ ما هم از شما ممنونیم که در این گفتگوی صمیمانه همراهمون بودید؛ آرزوی موفقیت و کامیابی براتون داریم انشالله به تمامی آرزوهاتون برسید و بهتون تبریک میگیم بابت چاپ کتاب اولتون شکوفه ی سیب...

امیدواریم کتابها و آثار زیبای زیادی ازتون به چاپ برسه... قلمتون مانا

شعری از کتاب شکوفه ی سیب از خانم معصومه حاجی میرزایی

لها غریب نوازل آمد

مسرایم شعری

امروز سرستم و شادم و خندان

شاید چشمم بگیرد ز جور زمان

لادلم در تب و تاب خراسان

شعری که نثریش آرام جان

ای رضا جان، ای رضا جان

هدیه و نعمت از طرف خدا. معلولیت سخته، واقعا سخت. ولی شیرینی های خاصی هم داره

■ شما احساس خوشبختی میکنید؟ خودتون رو به چی تشبیه میکنید؟

- بله احساس خوشبختی میکنم چون همیشه شکر گزار داشته هام هستم و امیدوار آینده من هر روز خداوند بابت داشته هام شکرگزاری میکنم. حس میکنم شبیه دریا هستم.

■ میخوام بدونم تا حالا عاشق شدید؟

- بله

■ چی خیلی عصبانیتون می کنه؟ به خصوصیت اخلاقی مثبت و به خصوصیت اخلاقی منفی رو به ما بگید.

- حرفی که حق نباشه خیلی منو عصبانی میکنه.

اخلاق خوبم توکلم به خدا زیاده.

اخلاق بدم مفرورم خیلی

■ به نظر شما جایگاه معلولین تو جامعه فعلی کجاست؟

- ۲۰ درصد از صد در صد. و بهتر خواهد شد مطمئنم، البته با خواست خود معلولین و حمایت مردم و جامعه. همیشه میگن یک دست صدا نداره...

■ نگاه مردم جامعه نسبت به معلولین چگونه؟ به عنوان کسی که معلولیت داره، شده از نگاهی ناراحت بشید؟

- نگاهشون خوب نیست و همیشه ترحم آمیز بوده ولی بهتر خواهد شد. بله شده ناراحت بشم ولی همیشه سعی کردم پای کم آگاهی اون افراد بزارم اون بر خوردشون رو

■ نظرتون رو در مورد ازدواج معلولین چیه؟

- لازمه... چون معلولین هم مثل تمام افراد جامعه نیازهای روحی و عاطفی دارن و یک هم دم و یک تکیه گاه براشون لازم هست

بارون

بارون زیباترین هدیه خدا برای زمین و اهل زمین.

زیر بارون بودن ، عجیب ، حس خوبی به آدم میده. میگن اگه عاشق باشی اگه زیر بارون دعا یا آرزو کنی ، دعوات اجابت میشه و آرزوت هم برآورده میشه اما...

اما من میگم وقتی از آدم و عالم بریدی و کم آوردی و حس کردی همه درهای زمینی به روت بسته شدن و زیر بار غم و درد کمرت خم شد ، زیر بارون خدا رو قسم بدی به پاکی تمام قطرات بارون ، که آزاد و راحت کنه ؛

اون وقت با هر نفسی که میکشی ، با هر قطره پاک بارونی که روی صورتت ، یا روی دوشت می افته ، احساس میکنی پاک شدی، حس قشنگ زنده بودن ، حس قشنگ زندگی کردن در تمام وجودت جاری میشه ؛

بجای خون تو رگهات ، بوی بارون جون میگیره ؛ اون وقت مثل گلی که تازه از آب بارون ، سیراب شده؛ رو به آسمون میکنی ...

همون لحظه میبینی که یکی از درای آسمون به روت باز شده!

سمیه بایرامی (عضو محفل قلم)

کارآموز رعد کرج

